

دو خطابه در انجمن روابط ایران و امریکا .

- ۲ -

خلاصه نطق پرفسور ادوارد نیکلای رئیس مدرسه تجارت و صاحب منصب او نیورسیته بیروت
ترجمه آقای میززا احمد خان اردشیر

- این بنده اگر چه اهل مغرب هستم ولی چون قریب بیست و پنج سال در مشرق کار کرده‌ام لهذا بقدری آشنائی و بصیرت حاصل نموده‌ام که بتوانم با دیده باز و اطلاعاتی بالنسبه کافی در موضوع هر دو اظهاراتی نمایم .

- سببی که بنده را وادار باشغال در این نیم کره کرده است بی شباهت بعلت موجدہ انجمن ایران و امریکا نیست و بعبارۀ اخری مقصود هر دو آنست که احسن افکار و اشیاء ممالک غرب را گرفته در دسترس اهالی شرق گذاشته شود ولی در اجراء این نیت شایسته نیست راه خطاییموده و مؤسساتی عیناً چنانکه در ممالک مزبورہ وجود دارد در این کشور های شرقی تأسیس نمود زیرا همچنانکه لباس زید زیننده بر عمرو نیست بهمان طریق نیز مؤسسات يك مملکتی بدرد کشور دیگری نمیخورد . ولی عمرو میتواند همان پارچه لباس زید را ابتیاع کرده بهمان خیاط سفارش دوخت آنرا داده برش آن را بقسمی دستور دهد که مناسب اندامش بوده و مطابق ذوق و سلیقه وی باشد .

- پس از این مقدمه میتوان گفت هر گاه چنین رویۀ تعقیب شود مؤسساتی ایجاد خواهد گشت که مرکب از جوهر محسنات خاور و باختر بوده و هیچکدام منفرداً آن محاسن را نداشته و در نتیجه نوع بشر میتواند از آن استفاده نماید . پس بنا بر این هر گاه معاونت طرفین بطریق خردمندانه جلب و با زبردستی بموقع اجراء گذاشته شود

فائده مزبوره را در بر خواهد داشت .

– اینك من باب صدق مدعا باستحضار آقایان میرسانم که در بیروت ۱۱۵۰ نفر محصل که از اسقاع جهان آمده و دارای مذاهب مختلفه و نمایندگان ملل مختلف از حبشه و سودان تا سکنه سواحل بحر اسود و دریای خزر هستند بانهایت صلح ووداد دوش بدوش یکدیگر بتحصیل اشتغال دارند وحتی آنقدر مناقشه و مشاجره که بین افراد يك ملت و يك مذهب وجود دارد در میان آنها مشاهده نمی کنید .

– بنده از صمیم قلب تصور می کنم این خدمت ما بغایت سودمند میباشد زیرا گذشته از فوایدیکه میتوان برای اینکار تعداد نمود بممل شرقی این نکته را می آموزد که چگونه باید یکدیگر را خوب شناخته و بچه طریق صفات و خصائص ذات الیین را اقتباس و تکمیل کنند – یکی از معایب ملل شرق آست که هر گر بفکر شناختن یکدیگر نیفتاده اند و بدو نسبت بهم بد بین گردیده و بعد هر علامت و امارتی که موجب تشدید آن حس میشده است نزد خود جمع نموده و در نتیجه حس نفرتی تولید گردیده و قرنهای متوالی طول کشیده و عاقبت منجر بعداوت و خونریزی در میان ملل همجوار شده است در صورتی که قبل از آنکه بدین چشم بر یکدیگر بنگرند میتوانستند با نهایت مودت و سلامت باهم زندگی نموده و با کمال بیغرضی محاسن و مزایای يك دیگر را اقتباس نمایند .

– بنده تصور می کنم مدارس امریکائی در ممالک شرق خدمات بس شایانی در این راه انجام داده و هر چه بیشتر نتایج حاصله از آنها مشهود شود بیشتر ملل مربوطه خدمات مذکوره را تمجید و تحسین مینمایند .

— در عرض راه هنگامی که بنده و پرفسرایر از بیروت بطهران میامدیم در هر نقطه عموماً و خاصه بغداد و طهران يك نوع عطش فوق العاده در میان مردم نسبت بازدياد تعلیم و تربیت مشاهده کردیم و همانطوریکه فلاح میل دارد گندمش زیاد مشتری داشته باشد و (مسترفرد) از تکثیر خریداران انومبیل خرسند میشود بهمان قسم هم ما که پیشه خود را نشر علم و تربیت قرار داده و متاعی جز آن نداریم از مشاهده چنان حسی بی اندازه مبتهج و مسرور گشتیم لکن خود را موظف میدانم که از نقطه نظر فوائد انسانیت بالصراحه عرض کنم که هر گاه این ولع مردم برای ازدیاد تعلیم و تربیت در مجرای صحیحی داخل نشود ممکن است در عوض آنکه نعمتی خداداد بشمار آیدنقمتی گردیده آفتی پر مخافت واقع گردد.

هر گاه بخواهید از تربیتی که بفرزندان خویش اعطاء مینمائید فائده حاصل گردد لازم است سه نکته را کاملاً رعایت کنید .

اولا — تربیت مزبوره نباید طابق النعل بالنعل از ملل غرب تقلید شده و مطلقاً شامل محاسن ملی مشرقی نباشد. تربیت مزبوره باید جامع محاسن شرق و غرب بوده و بقسمی اجراء شود که برای رفع حوائج عامه مفید واقع گردد. ثانياً — نه تنها باید عقل و هوش مردم رشد و نمو کند بلکه

لازمست اخلاق و سجایای آنها تربیت گردد. مرد عاقل به تنهایی برای مملکت مکفی نمیباشد و باید سنجیه و اخلاق بطریقی تکمیل شود که هر فردی بعد از طی تربیت بتواند حتی الامکان حد اعلائی فداکاری را نسبت بوطن، ملت، و هموطنان خویش مبذول دارد. هیچ ملتی نمیتواند فقط در نتیجه تربیت کردن افراد عالم مطمئن بترقی آئینه وطن خویش گردد. بلکه هر ملت دنیا باید افراد عالم و خوش اخلاق داشته باشد تا بحدیکه

میگویم اگر ملتی نتواند هر دو را بطور توأم داشته باشد و ناچار باشد یکی از آن دو را اختیار کند مسلماً افراد خوش اخلاق بر اشخاص عالم فاضل ترجیح خواهند داشت .

بناءً علیهنما ما راست که بیشتر اهمیت بتربیت بدهیم تا بتعلیم و اخلاق فاضله را بیاموزیم نه صرف علوم و فنون

ثالثاً - باید بنوع تربیتی که باطفال داده میشود اهمیت مخصوصی قائل گشت .

تربیت حقیقی آن نیست که مستخدمین برای دولت تهیه شده یا عده طبیب و حقوق دادن و غیره در مملکت زیاد شوند این طریقه تربیت فوق العاده خطرناکست زیرا مثلاً حوائج دولت نسبت بتعداد مستخدمین محدود است و اطباء و حقوق دانها چون خیلی زیاد گردند مشغول رقابت بوده و بجان یکدیگر میافزند و بالاخره باصطلاح سربک عده بیگانه مانده و بانهاییکه آن تعلیم را بانها آموخته و طعم زندگانی خوب را بانها یاد داده ولی نمیتوانند مانند اشخاص بیسواد امرا حیات نمایند نفرین و لعنت میفرستند . در اینصورت برای اینکه تعلیم در عوض آنکه مضر واقع شود نافع و سودمند گردد بکلیه اطفال باید آموخت که چگونه از طبیعت فائده برده و کسب تمول نمایند . این طریقه دارای دو فائده میباشد و آن این است که هر فردی شخصاً متمول گشته و بعد در نتیجه تمول افراد پایه اقتصادی مملکت محکم و استوار گردیده و بالمال قوت و قدرت سیاسی تحصیل مینمایند . چه این نکته را نباید فراموش کرد که بدون استقلال اقتصادی استقلال سیاسی محال و ممتنع است